

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکوندی
اگوست ۲۰۰۸- فریمانت کالیفرنیا



چند صفحه کتاب میتوانیم بخوانیم؟ هر جوابی که بدهید خرسند کننده است. بهر حال خواندن کتاب این توانایی ها را بما میدهد بخوانید:

- * بخشی از فرصت های ما را بشکل بسیار خوش آیندی پرمی کند.
- * با خواندن کتاب متفکر تر میشویم.
- * با خواندن کتاب گزیده تر حرف میزنیم.
- * با خواندن کتاب هر سخنی را فوراً تأیید یا رد نمی کنیم
- * با خواندن کتاب دنیا و آدم ها را بهتر میشناسیم.
- * با خواندن کتاب الگوی مناسبی برای کتاب خوان شدن بچه ها خواهیم شد.
- * با خواندن کتاب دنیا را با نگاه تازه ای خواهیم دید.
- * با خواندن کتاب به هنر نویسندگی و خلاقیت های فکری و ذوقی بیشتر آشنا میشویم.
- * با خواندن کتاب به ارزش علم، دانش، هنر و ذوق بیشتری میرسیم.
- * با خواندن کتاب خودمان را بهتر میشناسیم .
- * با خواندن کتاب میتوانیم بدون پرواز به همه جای دنیا برویم و همه موجودات دنیا را بهتر بشناسیم
- * با خواندن کتاب باز با وطنمان و زبان پارسی پیوند می خوریم. این نکته را هم بگویم بهر زبانی که قادرید کتاب بخوانید. سلام به همه آنهایکه به قلمرو روشن کتاب سفر می کنند و این سفرها را دوست دارند و میکوشند همه را هم با خود به این افق های روشن ببرند و برده اند .
- سلام به آفتاب دانائی ،
- سلام به بیداری
- پهرحال همه میدانند دنیا با بال کتاب میپرد
- آنکه بی بال میماند،
- به صف پرواز نمی رسد
- و میماند.

(۱) شمارگان معادل فارسی واژه تیراز است.

کتابی ارزنده درحوزه مدیریت کیفیت و استانداردهای جهانی
پشت جلد کتاب: کنکاشی در استاندارد ISO 9001-2000 چاپ تهران درباره موضوع این کتاب چنین آمده است: ISO 9001-2000: چالش هایی در درک الزامات استاندارد. اولین کتاب به فارسی در حوزه مدیریت کیفیت است که به



کارن مکوندی نویسنده کتاب کنکاشی در استاندارد بین المللی کالبد شکافی مشکلات و ارائه راهکار در سازمان های ایرانی پرداخته است . تا کید این کتاب بر روی مشکلات رایج در صنعت، خدمات و مدیریت در کشور ماست. و ساختار انتخاب



Afsan Catering

نامی شناخته شده و مورد اطمینان



ممفل و شبهای پر خاطره خود را با سرویس کامل ، غذاهای متنوع ، قیمت مناسب و با سالها تجربه کیتترینگ افسانه گرامتر سازید

قبل از برگزاری هرگونه جشن و میهمانی با ما مشورت کنید

- انواع پیش غذاهای سرد و گرم
- انواع کباب و جوجه کباب
- تهیه سالتن جهت کلیه مراسم
- سفارش همه نوع غذا پذیرفته می شود

(408) 600-6191

afsancatering@yahoo.com

دیگر چه بهانه ای داریم؟

ایران که بودیم برای کتاب خواندن و پائین بودن شما رگان (۱) نشر کتاب هزار و سیصد تا دلیل ردیف می کردیم خیلی از آنها هم درست بود. اما حالا در کالیفرنیا برای کتاب نخواندن چه بهانه هایی فهرست می کنیم البته مخاطب من در این نوشتار کوتاه کودک و نوجوانان خانواده های مهاجر ما نیست من دارم

با بزرگترها مشکل را در میان می گذارم میل دارم بکنفر پیدا شود مرا از این بن بست و چرا؟ بیرون بیاورد و فانم کند که اگر ما اینجا بازهم میلی و گرایش به مطالعه کتاب نداریم دلیلش اینست. لابد بالاخره یکی خواهد گفت: اما ما وقت نداریم یا به آمریکا می گویند عمری کار . بسیار خوب اگر هر کدام ما در بیست و چهار ساعت فقط نیم ساعت بخوانیم در ماه میشود پانزده ساعت بیا حساب کنیم در پانزده ساعت



منطقه فضل آباد:

حسینعلی مکوندی- کالیفرنیا- فریمانت
اگوست ۲۰۰۸ میلادی
حرف خنده دار هم باید بی اشکال باشه

بعضیا دوس دارن همه رو بخندونن ، خب بخندونن ، چقدر خوب آخه زندگی خنده هم میخواد، آدم که نباید فقط گریه کنه اینجور آدمها هم که خوش دارن همه رو بخندونن همه جا هم هستن، توی مهمونیا، عروسیا، جشنها. حتی آدمهایی هستن توی فیلما، تاآرها هم میان که همین کارو میکنن پول هم می گیرن. حرف ما اینه حالا که میخوان ماها رو بخندونن حالا یا با حرفاشون یا با کاراشون نباید چیزی بگن که یکی کنف بشه اما بقیه بخندن. بد آموزی و زشتکاری توی کاراش نباشه.... اگه باشه فایده این خنده ها چیه. اگر کسی باشه این هنر رو داشته باشه که راحت بتونه همه رو بخندونه. کارش هم بی عیب باشه هنرمنده باید بهش احترام گذاشت . خیلی هم تحویلیش گرفت اما متاسفانه همه جا اینجور نیس کار خنده سازی یا خنده آفرینی بعضیا هزار و سیصد تا اشکال داره نمی خوام قضیه رو کش بدم پونصد تا مثال بیارم دو تا نمونه میگم مشت نمونه خرواره

یاده یه جوونی داشتم اهل کتاب و درس نبود. اینقدر پرت بود که نمی دونسی امسال چه درس هایی می خونن یا پارسال چی خوندن، آدم بی آزاری هم بود. یه روز توی فامیل یه مهمونی بزرگی بود گمانم نامزدی بود نزدیکی های ظهر این جوون هم پیداش شد عمویش که اهل مزاح و شوخی بود برای اینکه همه رو بخندونه در اوامد هنگام ورود او با صدای بلندی گفت دانشمند محترم شیخ الرئیس ابوعلی سینا وارد میشود جوون بیچاره مثل قوطی تا شد. رنگش مثل زردچوبه زرد شد رفت به گوشه ای کز کرد ناهار هم نخورد اون مجلس را هم ترک کرد و رفت. باز بیاد دارم کسی را میشناختم توی داروخانه کار میکرد دوس داشت هر جور شده همه رو بخندونه به پسر شیش سالش یاد داده بود و هر وقت از او میپرسیدی نامرد کیه؟ طفلک بیگناه می گفت نامرد پایامه با این حرف همه می خندیدن اول از همه هم باباش . خب به این نمی گن هنر خندا نییدن. اسمشو شما هرچی بخواین بذارین من که توی هر مجلسی که اینجور آدمای پیدا بشه هر جور شده میزنم بیرون علت ترک مجلس رو هم به صاحب مجلس میگم چه خوشش بیاد و چه نیاد شما با اینجور قضایا چکار می کنین بنده بی خبرم. خود دانید. بهرحال زندگی خنده میخواد منتهی خنده بی اشکال میدونم قضیه رو گرفتین همینو میخواستم . عجالتا بی تبسم نباشید تا بعد...

باران ، پسرک بومی، غریبه ها و رمان درخت انجیر معا...
حرف هایی برای گریستن(۱)

من فرصتی شکار کنم دلم میخواد باز کتاب اشغالدونی اثر کارولینا نویسنده برزیلی حللی آباد نشین را بخوانم و عبارت به عبارت درد های اور احس کنم و درد بکشم. تکه تکه هایی از این کتاب را باز هم نقل می کنم:

* گریه حیوان خردمندست، عشق عمیق به کسی نمی ورزد و برده کسی نمیشود وقتی که از جایی می رود دیگر برنی گردد و این خود میرساند که صاحب عقیده است . داستان گریه را برای این نقل کردم که از کشته شدن موش بدست او خیلی خوشحال شدم کتاب های مرا ضایع میکرد.

* ۲ سپتامبر- دیروز غذایمان بد و کم بود امروز بدتر * از همه چیز اینجا نفرت دارم اینجا خودکدانی است گرچه اگر خوگها را هم در اینجا مسکن بدهند اعتراض خواهند کرد اعتصاب خواهند کرد بیشترها درباره فاولا چیزهایی شنیده بودم ولی هرگز خیال نمی کردم که تا این حد جای نفرت انگیزی باشد خدا بما رحم کند.

* چقدر وحشتناک است که آدم صبح از خواب برخیزد و چیزی برای خوردن نداشته باشد حتی بفکر خود کشی افتادم اگر خودکشی کنم برای اینست که شکمم خالیست.

* غضبناک و دیوانه از خواب برخاستم میل داشتم همه چیز را بشکنم و خراب کنم سبب این بود که لوبیا و نمک نداشتم و فردا یکشنبه است.

* نمیدانم این کدام رذل و پست فطرت است که برای دزدی وارد کلبه من میشود در هر حال تبر کوچولویی داشتم که ناپدید شده است.

* فهمیدم که همیشه بر سر پول میان ثروتمندان اختلاف وجود دارد ولی نمی توانم این مسائل را عمیق تر درک کنم چون مثل یک موش آب کشیده لخت و عور و بینوایم.

* نمی توانستم غذا بخورم نان خیلی کم بود آیا تنها من چنین روزگاری دارم؟ چه امیدی میتوانم به آینده داشته باشم. هر بار که گرسنه باشم میل دارم ژاتیورا بکشم و آدهیار را دار بزمن و ژوسیلنور را بسوزانم فقر و بینوایی محبت مردم را به مردان سیاسی میکشد.

* بچه ها نقل کردند که پسر آقای ژواکیم مست به مدرسه آمده از شنیدن این خبر وحشت کردم امروز باز غمگینم.

* هر وقت که ورا گوشت می خورد بشاش میشود و آواز خوانی میکند وجود گوشت در خانه ما یک حادثه تاریخیست.

* این منظومه های کوچک را ساختم:

گمان مبر که همیشه

محبت مرا حفظ خواهی کرد

کینه ام ریشه خواهد کرد

و نمو خواهد کرد و میوه خواهد داد.

* خانمی را دیدم که اعتراض میکرد در کشتارگاه فقط استخوان باو داده بودند و استخوانها صاف و پاک بود و اثری از گوشت روی آنها دیده نمیشد.

و او میگفت:

آخر نمیدانید من چقدر گوشت را دوست میدارم
دنباله مطلب در صفحه ۴۱

شده در کتاب هم آهنگی بسیاری با استانداردها راهنمای منتشر شده از سوی سازمان استاندارد سازی جهانی ISO دارد و کتاب در بخشش



«راهنمای طراحی» و «راهنمای ممیزی» دسته بندی شده است. درباره نویسنده این کتاب نیز پشت جلد همین کتاب بزبان فارسی و انگلیسی چنین می خوانیم: کارن مکوندی، دانش آموخته رشته مهندسی صنایع است وی از ۱۳۷۴ در مشاغلای چون : مدرس دوره های مدیریت

ممیزی سیستم های مدیریت و مشاور مدیریت مشغول بکار بوده او از محدود افرادی است که تجربیات گسترده ای در سه حوزه: مشاوره، آموزش و ممیزی نظام های مدیریت داشته است کتابی که در دست شماست حاصل تجربیات وی در بیش از ۵ پروژه پیاده سازی سیستم مدیریت کیفیت بوده و بیش از سیصد ممیزی مستقل در سازمان های ایرانی میباشد. او در حال حاضر سرممیز سیستم های مدیریت و مدرس دوره های سرممیزی مدیریت کیفیت است وی عضو سازمان ثبت میزان بین المللی (IRCA) میباشد.

نان کپک زده

من بزرگری را میشناسم که هفتاد سال تمام زندگی کرد. هفتاد هزار بار زمینش را با گاوآهن شخم زد. هفتصد و هفتاد من بذر باشد.

ولی فقط هفت من نان کپک زده در سفره داشت .

(اوربانا فالانچی)

دلم از صحبت این چرب زبانان بگیرم

- * معنای زنده بودن من با تو بودن است
- * چرا ز قافله یک کس نمیشود بیدار؟
- * فدای یک تن بیگانه کاشتا باشد.
- * محبت را ز ماهی باید آموخت
- * چو از دریا برون آید بمیرد.
- * اگر سگ صدر اعظم بمیرد همه می آیند
- اما اگر خود صدر اعظم بمیرد مراسم خلوت است
- * نه وعده وصلم ده، نه چاره کارم کن ،
- من تشنه آزارم، خوارم کن و زارم کن
- * به روی تربیت من، برگ لاله افشایند
- به یاد سینه خونین داغدیده من
- * گو هر نفسی که بوی درد آید از او؟
- صد پاره دلی که آه سرد آید از او
- * هزار کبک ندارد دل یکی شاهین
- هزار بنده ندارد دل خداوندی
- * در تمام خاک خدا چراغ علم را معلم روشن می کند
- * قربان بند کیتقم تا پول داری رفیقتم
- * قسم مخور که باور است

لنگ خروس برابر است
* امروز بهای هیزم و عود یکبست

در چشم جهان خلیل و نمرود یکبست
* کجا خود شکر این نعمت گذارم

که زور مردم آزاری ندارم .
* شوهر کردم و سوسه کنم

نه که بشینم وصله کنم

* میان این هیر و ویر بیا و زیر ابرو بگیر

در کوچه نویسندگان

احمد محمود که نام اصلی او احمد اعطا است و آثاری چون رمان های همسایه ها، مدار صفر درجه، داستان یک شهر، زمین سوخته و کتاب های دیگری دارد در مصاحبه ای در نشریه دوچرخه منتشره در ایران در پاسخ سوالی می گوید:



عجیب و غریب داشت یا کارهای عجیب و غریب کرد اصلا فکر می کنند نوشتن یک کار خیلی عجیب و غریب است ولی ببینید روزه سارا ما کو برنده جایزه نوبل ادبیات و نویسنده کتاب کوری چه میگوید: کاملاً عادی هستم، عادت های عجیب و غریب ندارم و مسائل را بزرگ نمی کنم. از همه مهمتر کار نوشتن را بزرگ جلوه نمیدهم. از عذاب خلق کردن حرف نمی زنم. از کاغذهای سفید واهمه ندارم منظور همان مانع و وقفه ایست که نویسنده ها درباره اش صحبت می کنند از آن جور مشکل ها ندارم ولی من هم درست مثل هر آدم دیگری که هر جور کار دیگری انجام میدهد مشکلاتی دارم. گاهی وقتها هم نوشته ام آن طور که می خواهم از کار در نمی آید یا اصلاً از کار در نمی آید.... بد نیست اضافه کنم آثار دیگر احمد محمود از این قرار است: مول- دریا هنوز آرام است ، بيهودگی، زائری زیر